

بررسی شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات

سید حسین نقوی*

محمد نظیر عرفانی**

چکیده

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤلیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در قرآن و روایات تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی - اجتماعی یک مسلمان به شمار می‌رود، یافته‌های تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب نگاشته شده است حاکی از آن است که این فریضه، علاوه بر شرایط کلی و عامه مشهور تکلیف (عقل، بلوغ، قدرت، علم و ...)، شرایط مخصوص به خود دارد همانند علم به معروف و منکر احتمال تأثیر، اصرار و استمرار بر گناه، عدم ضرر و مفسده یعنی نداشتن ضرر مالی، جانی و عرضی برای خود آمر و ناهی و یا برای متعلقین، مؤمنین و اصحاب او؛ مراتب امر به معروف و نهی از منکر عبارت بودند از: انکار قلب، انکار زبانی، اقدام عملی؛ واجب است بین مراتب سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر، رعایت ترتیب شود، یعنی نخست اظهار ناخشنودی قلبی با درجاتی که دارد و بعد با زبان و در مرتبه سوم با عمل. واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، شرایط، مراتب، روایات

* دانش آموخته سطح چهار علوم و فنون قرانات، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)،

shn110@hotmail.com

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه، mna8181@yahoo.com

مقدمه

این فریضه بزرگ مانند فریضه‌های دیگر، شرایطی دارد، زیرا سنت الهی همین بوده و هست؛ هر تکلیفی که خدا بنده خود را به آن مکلف فرمود، شرایطی را در نظر گرفته و با دارا بودن آن شرایط بر او واجب کرده است.

علاوه بر شرایط کلی و عامه مشهور تکلیف، یعنی: عقل، بلوغ، قدرت، علم و... که هر تکلیفی مشروط به این امور است هر حکم و تکلیفی ممکن است، شرایط مخصوص به خود داشته باشد و فریضه امر به معروف و نهی از منکر هم به سهم خود در شرایط خاصی، واجب می‌شود که با رعایت وجود آنها به فعلیت خواهد رسید.

از آنجا که این دو فریضه بنیادین ناظر به مصالح عمومی جامعه است، اهمیت این شرایط آشکارتر می‌شود. این شرایط برگرفته از دستورات و تعلیمات معصومین علیهم السلام پاره‌ای از اجتهادات و تفسیرها است. لذا دانستن این شرایط لازم و واجب است.

در حقیقت این شرایط مسائلی بیرون از حقیقت امر به معروف و نهی از منکر نیست که بر آنها بارشده باشد، بلکه نتیجه تحلیل ماهیت و هدف آنها است. امر به معروف و نهی از منکر بدون شرایطی که گفته خواهد شد دیگر امر به معروف و نهی از منکر نیست، بلکه کالبدی است بی‌جان. بسیاری از فقها از جمله محقق حلی (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۴۲)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۴۴۳)، محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۸۶)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۱۴)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۰۱ و ۱۰۲)، مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۵۳۵)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۴)، فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۰۷) و امام خمینی (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۴) با بهره‌گیری از آیات و روایات برای واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر شرایط چهارگانه را بیان کرده و فرموده‌اند اگر این شرایط فراهم نشود، امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی‌شود.

اگر چه برخی کسانیکه پیرامون این موضوع بحث کرده‌اند در مقدار این شروط اختلاف دارند و برخی چهارده شرط (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ص ۴۲۰) بعضی پنج شرط (شیخ بهائی، ۱۴۲۲، ص ۹۰، ح ۱۲) و بعضی سه شرط (قطب راوندی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۵۸) و برخی هم کم‌تر از



آن (شبستری، ۱۳۵۰، ص ۱۰۰) ذکر کرده اند، اما بیشتر محققان چهار شرط را مطرح کرده اند که عناوین این شرایط عبارت است از:

۱- علم به معروف و منکر

۲- احتمال تأثیر

۳- اصرار و استمرار بر گناه

۴- عدم ضرر و مفسده

اینها عناوین شرایط چهارگانه و خوب امر به معروف و نهی از منکر است که ذیلاً توضیح هر یک را بیان خواهیم کرد:

۱. شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱-۱. علم به معروف و منکر

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید معروف و منکر را بشناسد؛ با مصادیق معروف و منکر آشنایی کامل داشته باشد تا در انجام وظیفه خود دچار اشتباه نشود؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «صاحب الأمر بالمعروف یحتاج الی أن یکون عالماً بالحلال و الحرام (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۹۷، ص ۸۳)» امر به معروف در کار خود به شناخت حلال و حرام نیازمند است.

قرآن کریم در آیه تفقه می فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه / ۱۲۲)» شایسته نیست مومنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه کوچ نمی کنند (و طایفه در شهر بماند) تا در دین (معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان خدا) بترسند و خود داری کنند!

از این آیه چنین استفاده می شود که بدون تفقه و آگاهی و علم و بصیرت نمی توان امر به معروف و نهی از منکر کرد، کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید در دین (معارف و احکام اسلام) آشنایی کافی داشته باشد و بدون علم و آگاهی ممکن است به عکس عمل کند عمل ناپسند را شایسته و شایسته را ناپسند معرفی کند (امر به منکر و نهی از معروف بکنند!) در حقیقت این شرط، نتیجه تحلیل امر به معروف و نهی از منکر است، نه چیزی فراتر از آن، آن کسی که می

خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، نخست باید معروف و منکر را بشناسد و بعد دیگری را به انجام معروف و یا از انجام منکر باز دارد.

آنکه از شناخت معروف و منکر ناتوان است و برایش تعریف شده نیست، بی شک از شناساندن و تعریف آنها برای دیگران ناتوان است.

امام علی (ع) فرمود: «ایها الناس اتقوا الله و لا تفتوا الناس بما لا تعلمون (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۱۳)» آی مردم از خدا پروا کنید و در آنچه خود نمی دانید برای مردم فتوی ندهید. منظور از علم، آنگونه که از ظاهر عبارت فقها بدست می آید این است که منظور از (علم و آگاهی) علم قطعی نیست بلکه ظنی است که از راههای معتبر شرعی به دست آمده (شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۱۴) و نیز شناخت تقلیدی و حتی به تعبیر بعضی از فقها شناخت اجمالی نیز کافی است. (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۱)

آمر و ناهی، عالم، آگاه و اهل خبره نسبت به موارد مختلف و مصادیق معروف و منکر در اسلام باشد. آگاهی و شناخت انواع (اعمال و افعالی که انسان در زندگی به عنوان عبادت و ... انجام می دهد) لازم و ضروری است، زیرا که شناخت معروف و منکر در اقامه امر به معروف و نهی از منکر، شرط اساسی است.

و انگهی مقصود از امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد معروف و میراندن منکر است و این کار تنها از کسی که این دو را می شناسد ساخته است. لذا هر جا این شرط آمده علت آن (لیأمن من الغلط فی الانکار، لئلا یأمر بمنکر او ینهی عن معروف و ...) نیز ذکر شده است.

اعتبار این شرط بین اصحاب و علماء بزرگ و برجسته مشهور است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۳۶۶) و آنرا توسط ادله اربعه استدلال نمودند و وجوبش را ثابت کرده اند.

حاصل آنکه همه عالمان و فقیهان به این شرط اشاره می کنند و هیچکس در ضرورت آن تردیدی ندارد؛ زیرا تنها با شناختن معروف و منکر، میتوان در راه امر به معروف و نهی از منکر گام برداشت.

۲-۱. احتمال تأثیر

شرط دوم این دو فریضه (امر به معروف و نهی از منکر) آنست که: احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر دارد، در بین فقها عظام هیچگونه اختلافی در این شرط نیست و علامه در کتاب (منتهی) گفته: این مساله اجماعی است، بلکه به قدری روشن است که نیاز به استدلال ندارد. (نوری همدانی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶) این شرط نیز مانند شرط قبلی از جمله شرایطی است که همه علماء با عبارات

مختلف به آن اشاره کرده اند عده ای مانند: محقق حلی (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۴۲)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۴۴۳)، محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۸۷)، مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۵۳۵) و فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۴) گفته اند اگر آمر و ناهی، علم و یا ظن (گمان) غالب داشتند که امر و نهی آنها تأثیر گذار نیست و خوب آن برداشته می شود و بعضی دیگر مانند امام خمینی (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۷) و آیت الله خوئی (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۱) فرموده اند اگر احتمال بدهد که تأثیر می گذارد امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود؛ امام خمینی در انتها می گوید بنابراین اگر علم یا اطمینان داشته باشد که تأثیر نمی گذارد واجب نیست و ظاهراً تنها ابن ادریس حلی است که ظن به تأثیر را شرط و خوب دانسته است. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳)

امر به معروف و نهی از منکر برای احیاء معروفها و از بین بردن منکرات است یعنی واجب طریقی است که تنها امر و نهی مطلوب خداوند متعال نیست بلکه خواست او انجام گرفتن معروفها و از میان بردن منکرات است و امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق این هدف، یک وسیله شمرده می شود. لذا اگر انسان بداند که امر و نهی او اثر ندارد، جلوی منکری را نخواهد گرفت و موجب انجام معروفی نخواهد شد، وظیفه ای در مقابل گناه و گناهکار ندارد.

ولی این نکته از یاد ما نرود که «در صورت علم به عدم تأثیر» آنچه از عهده آمر و ناهی ساقط می شود «وجوب امر به معروف و نهی از منکر است» نه جواز آن، این طور نیست وقتی که علم پیدا شود که امر به معروف و نهی از منکر او اثر ندارد لذا امر به معروف و نهی از منکر کردن حرام شود یا جائز هم نباشد، بلکه فقط وجوب برداشته می شود.

این شرط از تحلیل ماهیت امر به معروف و نهی از منکر و هدف آن بدست می آید نه آنکه از خارج بر آن بارشده باشد. اساساً حرکت عبث و بی معنا در جهان بینی اسلامی بی معنا است هر حکمی داری و احکام اسلامی تابع مصالح و مفاسد است بنابراین امر به معروف و نهی از منکر نیز از قاعده کلی بالا، جدا نیست و باید هدفدار باشد و موثر.

اما فقها این نکته را یاد آور شده اند که ممکن است در مواردی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مخاطب تأثیر نداشته باشد ولی آثار جانبی دیگری همچون بر ملا شدن بدعتها و پیش گیری از مشتبه شدن معروف و منکر داشته باشد که در این صورت نیز باید حقیقت را آشکار نمود و سکوت و کتمان جائز نیست. (امام خمینی، روح الله، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۵)

بنابراین نباید پنداشت که مراد از تأثیر، اثر گذاشتن فوری آن هم در شخص مورد نظر است بلکه تأثیر بمعنای باز تاب اجرای این فریضه اجتماعی است. گاه این بازتاب سریع و مستقیم است و گاه طولانی و غیر مستقیم.

۳-۱. اصرار و استمرار گناه

انسان همواره در آستانه لغزش است، مگر اینکه رحمت خدا او را نگه دارد که: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي (یوسف / ۵۳)» زیرا که نفس به بدی فرمان می دهد، مگر آنچه پروردگار رحم کند.

لیکن پس از هر لغزشی، فطرت توحیدی و نفس ملامتگر (لؤامه قیامت / ۲)) او را به خود می آورد و از ادامه کژی باز می دارد. از این رو بسیار بوده اند کسانی که پس از ارتکاب منکرات و کژرویها، مشمول هدایت الهی شده، از بیراهه بازگشته اند.

این حقیقت موجب آن شده است که شرط سوم را درباره امر به معروف و نهی از منکر در نظر بگیرند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر، نمک بر زخم پاشیدن نیست، بلکه مرهم بر رویش نهادن است.

لذا سومین شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که انجام دهنده منکر یا ترک کننده واجب، تصمیم و اصرار بر عمل خلاف خود (ادامه منکر و ترک واجب) داشته باشد، بنابراین اگر آثار توبه در وی آشکار شود و تصمیم به استمرار منکر نداشته باشد یعنی آنکه خطایی از او سر زده و سپس متوجه این خطا گشته و در پی رفع آنست، دیگر نیازی به امر به معروف و نهی از منکر ندارد. اکثر فقها به این شرط پرداخته اند، بعضی از عبارات ایشان چنین است:

الف) سومین شرط این است که نشانه های استمرار بر منکر وجود داشته باشد. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳)

ب) مرتکب منکر، اصرار بر ادامه آن داشته باشد، بنابراین اگر نشانه خود داری از منکر آشکار شد وجوب انکار ساقط می شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۸۶)

ج) اگر علم پیدا شود که فاعل منکر و تارک معروف پشیمان شده و دیگر مرتکب منکر نخواهد شد وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط خواهد شد و بلکه به دلیل هتک حرمت مومن حرام خواهد بود. (شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۱۴) شهید ثانی در مسالک اماره را نشانه ضعیفی دانسته و می گوید مشکل است که بگوئیم با وجود اماره امتناع از منکر؛ واجب ساقط می شود



(شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۳) اما بعضی از علمای دیگر حتی احتمال پشیمانی را هم کافی دانسته و گفته اند اگر احتمال بدهیم و یا ندانیم که آیا مرتکب منکر تصمیم دارد مجدداً آن را انجام دهد. وجوب امر به معروف و نهی از منکر برداشته می شود. (خونی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۱).

د) امام خمینی (ره) در ابتداء می گوید اگر دانسته (معلوم) شود که مرتکب، منکر را ترک کرده است وجوب ساقط می شود. سپس در مساله بعدی چنین می گوید: اگر نشانه های ترک (منکر) ظاهر شد و از آن قطع حاصل شود، بدون اشکال وجوب ساقط است و در حکم قطع، اطمینان است و همچنین است اگر بیینه ای که مستند به حس یا نزدیک به حس است قائم شود و نیز اگر مرتکب منکر اظهار پشیمانی و توبه کرد، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود. و اگر اماره های ظن بر ترک آشکار شود و یا شک کنیم که آیا منکر، استمرار خواهد یافت یا ترک خواهد شد در اینصورت هم بعید نیست که بگوئیم وجوب ساقط می شود. (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷۰)

آنچه از مجموع نظرات فقها بر می آید، تنها در صورتیکه بر استمرار گناه و خطا قطع داشته باشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود، زیرا به صرف اینکه مثلاً طرف قصد خطا کرده نمی توان او را مجرم شمرد، چون قصد استمرار گناه حرام نیست تا اینکه نهی از آن واجب باشد. و مراد از استمرار بر گناه یا اصرار بر گناه در مقابل امتناع، قصد و تصمیم ارتکاب گناه است، هر چند یک بار دیگر باشد، نه اینکه «استمرار گناه» به معنای دوام و همیشگی باشد. پس اگر مایع مست کننده ای را بنوشد و قصد نوشیدن مجدد را هم دارد، نهی از منکر واجب است.

پس اگر بدانیم شخصی مرتکب گناه شده و هم اکنون به شدت نادم و پشیمان است و تصمیم جدی دارد که دیگر سراغ گناه نرود، در این صورت امر به معروف و نهی از منکر، حرام است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۳۷۰)؛ زیرا هتک شخصیت مومن است، از این شرط بخوبی استفاده می شود که اسلام عزیز؛ با امر به معروف و نهی از منکر در صدد درمان بیماری گناه است نه کوبیدن و له کردن شخصیت مرتکب منکر، رعایت این شرط بویژه در مورد جوانان تأکیدی بیشتر دارد. گر چه در مورد این شرط سوم قطعاً دلیل تعبدی (آیات و روایات) وجود ندارد، از این رو هیچکس در مورد این شرط به روایتی از آئمه اهل بیت علیهم السلام و آیه ای از قرآن کریم تمسک نکرده است.

و برخی علماء هم اصلاً متعرض این شرط از شروط امر به معروف و نهی از منکر نشده اند مثلاً علامه حلی در کتاب «تحریر الاحکام (مدرسی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳)».

۴-۱. عدم ضرر و مفسده

شرط چهارم از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن ضرر مالی، جانی، عرضی برای خود و یا برای متعلقین، مومنین و اصحاب آمر و ناهی است. اگر بخاطر امر به معروف و نهی از منکر برای خود یا مالش و یا ناموس او و یا برای یکی از مومنین ضرر قابل توجه و حرج غیر قابل تحمل عقلانی داشته باشد و یا اینکه امر و نهی کردن موجب مفسده ای باشد؛ به عبارت دیگر موجب پدید آمدن فسادی در جامعه شود که در این صورت هدف از امر به معروف و نهی از منکر مفقود می گردد و وجوب ساقط می شود. فرق نمیکند، چه ضرر فعلی باشد یا در آینده قریب و چه علم به ضرر پیدا شود یا ظن به ضرر یا احتمال معتد به عقلانی به ضرر باشد و همین طور فرق نمی کند خوف ضرر، جانی باشد یا مالی و ناموسی و برای متعلقین باشد یا برای خودش، پس موجب صدق خوف شود کافی است و مقدار آن را باید عرف و عقلاء تشخیص بدهد.

تقریباً همه فقهای که به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته اند، عدم وجود مفسده و ضرر را از شرایط وجوب دانسته و گفته اند، اگر آمر به معروف و ناهی از منکر گمان پیدا کند که به سبب امر و نهی، ضرر جانی یا مالی قابل اعتناء متوجه او یا بستگان او و یا حتی سایر مومنین در حال یا آینده می شود، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می شود (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۴۴۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۸۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۰۳؛ امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷۲) و حتی شهید ثانی می گوید قول قوی تر این است که امر و نهی در این صورت حرام است. (شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۰۳)

نکته حایز اهمیت این است که فقهای پیشین این شرط را به صورت مطلق و بدون توجه به نوع منکری که انجام شده یا معروفی که ترک شده مطرح ساخته اند؛ و از این اطلاق چنین بدست می آید که این شرط در هر معروف و منکری جاری و ساری است، در حالیکه یقیناً در بعضی موارد تحمل ضرر جائز و بلکه واجب است، زیرا علاوه بر عقل، سیره پیامبر (ص) و علی (ع) در جنگ ها و نیز قیام حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و همچنین سخنان حضرات معصومین علیهم السلام در خصوص اهمیت و ارزش سخن آمر به معروف و ناهی از منکر در برابر سلطان ظالم (طبرسی،



۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۲۳) حاکی از این است که در برخی موارد انسان مومن باید برای نهی از منکر، بدترین سختی‌ها و ضررهای مالی و جانی را متحمل شود.

اما بر خلاف فقهای متقدم، فقیهان معاصر (امام خمینی، آیت الله خوئی، مرحوم شهید صدر و...) در این شرط تفصیل داده‌اند و آن را در موردی پذیرفته‌اند که مفسده مترتب بر امر و نهی بیش از مفسده بر ترک معروف و ارتکاب منکر باشد، ولی اگر معروف و منکر از اموری است که شارع مقدس به آنان اهمیت زیادی می‌دهد مانند حفظ اسلام، عقاید، نوامیس، قرآن و احکام ضروری باید با مقایسه اهم و مهم، مهمتر را در نظر گرفت و با مجرد ضرر و هرج و مرج امر به معروف و نهی از منکر برداشته نمی‌شود و برای حفظ این گونه امر باید جان یا جانمایی فدا شود و در این صورت تحمل ضررهای غیر جانی و یا مشقتها به طریق اولی واجب می‌باشد.

امام خمینی (ره) علی‌رغم اینکه در ابتداء وجود هر نوع ضرر جانی یا مالی احتمالی که در حال یا آینده برای خود یا خانواده و یا سایر مومنین ممکن است پیش بیاید را، رافع وجوب می‌داند، (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷۲) اما در مسائل بعدی در بعضی موارد، تحمل ضرر و مشقت را جایز و بلکه در بعضی موارد، آن را واجب می‌داند.

پس شایسته تذکر است که این شرط، تنها متوجه فروع دین است، اما چنانچه بیم و صدمه و آسیب رسیدن به دین و اصول آن باشد، بدون هیچ تردیدی، هر نوع جهاد، از قبیل بذل مال و جان، واجب است، چون در اینصورت وجوب، به خود ضرر (بذل جان و مال برای حفظ دین) یا فعلی که موجب زیان است (عملی که بمنظور دفاع از دین، منجر به زیان مالی یا جانی می‌شود) متعلق است، نه فعلی که مستلزم ضرر و حرج نیست.

۲. مراتب امر به معروف و نهی از منکر
با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف امر به معروف و نهی از منکر اصلاح و تربیت فرد و جامعه است و برای تربیت باید از بهترین شیوه‌های تربیتی استفاده نمود، لذا در احادیث رسیده از ائمه و تالیفات فقها برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و شیوه‌های بیان شده است از مراحل ساده همراه با رفق و مدارا آغاز می‌شود و در صورت کارساز نشدن گفتار و سخن، برای پاک‌سازی جامعه از آلودگی‌ها و منکرات لاجرم به ضرب و جرح و اقدام عملی منتهی می‌شود.

اکثر فقها (شیخ طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۸۷؛ خوئی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۲) برای امر به معروف و نهی از منکر، مراحل سه‌گانه‌ای را بر شمرده‌اند؛ اما در اینکه از

کدام مرحله باید آغاز کرد از ظاهر عبارت ها به نظر می رسد اختلافی در بین ایشان وجود دارد؛ ولیکن همانگونه که مرحوم علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه توجیه نموده، ظاهراً این اختلاف لفظی است و می تواند بین آنها تسالمی برقرار کرد. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۵۹)

همین مراحل در برخی روایات نیز آمده است. بر پایه روایتی که امام باقر (ع) فرمود: «با دل‌های خود منکر را ناخوش دارید و با زبان های خود از آن باز دارید و با دست خود بر پیشانی کسانی که مرتکب آن می شوند بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچکس بیم نداشته باشید.» (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۴۰۴)

۲-۱. انکار قلبی

اولین مرحله و یا مرتبه از مراتب امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی قلبی است که همه آن را واجب دانسته اند؛ اما عباراتی که فقها در این زمینه به کار برده اند، با یک دیگر تفاوت دارد و ظاهراً علماء برداشت های مختلفی از امر و نهی داشته اند؛ شهید ثانی در مسالک توضیحی را بیان کرده که بسیار روشن گر است، وی در این باره می گوید: «انکار قلبی» در کلام فقها در دو معنا بکار رفته است:

اول: ایجاد کراهت در قلب، به این معنا که قلباً معتقد باشد آنچه ترک شده واجب و آنچه انجام شده حرام است و قلباً از این کار ناراحت شود.

دوم: اعراض و دوری از انجام دهنده منکر، ظاهر ساختن کراهت خود از وی، به سبب کار ناشایستی که انجام داده است.

سپس شهید ثانی در تشریح معنای اول می گوید؛ معنای اول که بر هر مکلفی واجب است، زیرا مقتضای ایمان است، خواه منکری واقع شود یا نشود، خواه احتمال تأثیر بدهد یا ندهد؛ جز اینکه این معنا بعید است که داخل در معنای امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرد زیرا مقتضای امر و نهی، طلب انجام کار یا ترک آن است و حال آنکه در این معنا (معنای اول) هیچ امر و نهی در کار نیست و همچنین این شخص، آمر و ناهی به شمار نمی آید؛ به خلاف معنای دوم که انکار و طلب در ضمن آن تحقق می یابد و وجوب آن هم مشروط است به شرایط امر به معروف و نهی از منکر.

(شهید ثانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۰۳-۱۰۴)



پس مقصود از مرتبه قلبی آنست که عملی را از خود آشکار سازد که نشانگر انزجار قلبی و درونی او از منکر باشد و با این عمل نشان دهد که خواهان انجام معروف و ترک منکر است. (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۵۹)

امیر المومنین (ع) می فرماید: «امرنا رسول الله (ص) ان نلقى اهل المعاصی بوجوه مکفّهرة (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۴۱۳)» رسول خدا (ص) به ما فرمان می داد تا با معصیت کاران با چهره های عبوس روبرو شویم.

در این مرحله باید رفتاری نشان داد که انزجار قلبی نسبت به منکر و طلب معروف از آن فهمیده شود. این مرحله نیز به نوبه خود، درجاتی دارد مانند برهم نهادن چشم، درهم کشیدن چهره، برگردانیدن صورت، دوری و ترک مراوده و امثال اینها، در صورتیکه اعراض و دوری جستن و مانند آن، موجب تخفیف منکر شود (نه از میان رفتن) و راه دیگری برای از میان برداشتن منکر نباشد، تکلیف، همین اعراض و دوری و مانند آن است. (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۳۷)

غرض اصلی از امر به معروف و نهی از منکر این است که کردارهای شایسته انجام و اعمال ناشایست ترک شود، بنابراین، عقل و همچنین دلایل شرعی اقتضا می کند از بهترین روش استفاده نمود و از مراحل ساده تر آغاز کرد و در صورت کارساز نشدن مراتب آسان تر، تدریجاً از مراتب بعدی و سخت تر مدد گرفت.

۲-۲. انکار زبانی

دومین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر، زبانی است. فقها عظام گفته اند اگر از مرتبه اول، نتیجه حاصل نشود، لازم است به مرتبه بعدی برویم، یعنی خیلی ساده از تارک معروف و عامل به منکر بخواهیم دست از این رفتارش بردارد.

این مرحله در تربیت و پاکسازی جامعه از گناه نقش مهم دارد. چون اگر همه افراد جامعه به این مرتبه عمل کنند عرصه به مرتکبان منکر تنگ خواهد شد و جز ترک منکر چاره ای نخواهد داشت.

ناگفته پیدا است که گسترده ترین زمینه انجام امر به معروف و نهی از منکر نیز در همین مرحله است؛ به فرموده بزرگی: «با زبان خوش و نرم نود در صد مشکلات امر به معروف و نهی از منکر حل میشود.»

خداوند متعال در یک آموزش زیبای عملی، به حضرت موسی (ع) و برادرش هارون دستور میدهد تا به نزد فرعون رفته و با او سخن بگویند و در ضمن سخن گفتن با او جانب «نرمش و ملایمت» را

مراعات کنند. جالب آنکه مقصود از این ابراز ملایمت در گفتار با فرعون را نیز آگاه ساختن و وادار کردن او به کرنش در برابر خداوند دانسته است که این خود، معنای کامل هدایت و نتیجه نهایی امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم این فرمان خداوند را چنین بازگو می کند: «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ - فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (طه / ۴۳-۴۴)» به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است؛ اما به نرمی با او سخن بگوئید؛ شاید متذکر شود، یا از خدا بترسد.

این مرتبه خود نیز دارای درجات و مراتبی است، مثل: سربسته سخن گفتن، سخن ملایم گفتن، پند دادن و به صراحت سخن گفتن ... خشونت زبانی که باز با توجه به مخاطب باید به مرتبه آسان تر اکتفا کرد و از آنجا تجاوز نکنیم.

امام باقر (می فرماید: «و الفظوا بالسنتکم») بعد از مرحله نخست، به زبان بیاورید، اعتراض کنید، در مرحله اول بهتر است با زبان نرم و ملایم باشد، اما در مرحله بعدی می فرماید: «و صکو بهاجباهم» وقتی با گناهکار روبرو می شوید و با حرف نرم نتوانستید او را هدایت کنید، اینجا دیگر جای نرمی و ملاطفت نیست بلکه با تندی تو پیشانی او بزنید البته نه با دست بلکه با سخن یعنی آنچنان رو در رو با تندی با او برخورد کنید، مثل کسی که می خواهد توی پیشانی طرف بزند. (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۴۰۴)

گاه ممکن است در این مرتبه به کار بردن خشونت لفظی و درشت گویی لازم باشد که در این صورت مجاز است، مشروط به آنکه با فعل حرام (دروغ، دشنام، اهانت و بد زبانی) نباشد و موجب پرده دری و کج روی نگردد. البته اگر از مواردی باشد که شرع به آن اهتمام دارد یعنی به وقوع آن راضی نیست مانند قتل نفس محترمه و ارتکاب کبائر، جائز بلکه واجب است. پس در این مرحله اگر با لحن ملایم و گفتار نرم بتوان کسی را از عمل ناپسند بازداشت، نوبت به گفتار تند نمی رسد. البته گاهی باید به تدریج زمینه را برای گفتن حرف اصلی آماده کرد، نه بی مقدمه و گر نه به هدف نمی رسیم.

۲-۳. اقدام عملی

سومین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر، انکار عملی است، اگر آمر به معروف یا ناهی از منکر اطمینان پیدا کند که مطلوب با دو مرتبه پیشین حاصل نمی شود، واجب است از مرتبه سوم استفاده کند. اگر این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر را در کنار دو مرتبه دیگر نگذاریم، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر لغو خواهد شد، قطعاً باید در کنار انکار قلبی و انکار زبانی، این مرتبه هم

باشد تا اگر کسانی از آن دو راه متنبه نشدند، از این راه آنها را بر سر عقل آورد که روش انبیاء هم همین بوده است.

امام باقر(ع) در ضمن حدیث طویل می فرماید: «اگر کار به آنجا رسید که علی رغم برخورد تند توجهی به امر به معروف و نهی از منکر نکردند، در این صورت از مرحله سوم استفاده کنید...» (فجاهدوهم بابدانکم و ابغضوهم بقلوبکم (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱))

پس مقصود از اقدام عملی هر گونه فعالیت هدفدار و مشروعی است که زمینه را برای ریشه کنی فساد، منکر و بدی و رشد معروف و ارزشها فراهم می سازد.

این مرحله نیز مانند مرتبه قبلی دارای مراتبی است و به هیچ وجه آمر و ناهی نمی تواند از سخت ترین مراحل - کتک زدن، زخمی کردن و کشتن - شروع کند، بلکه باید در ابتدا با جلوگیری کردن و مانع شدن و ... نهی از منکر نماید.

فقها از این مرتبه به «ید» تعبیر می کنند که کنایه از اقدام عملی و اعمال قدرت است. در اینکه مراد از امر به معروف و نهی از منکر با (ید) چیست، اقوال و نظریات فقها گوناگون می باشد، سه تفسیر اینجا وجود دارد که عبارت است از:

الف) اینکه مراد از امر به معروف و نهی از منکر با دست، این است که با کتک زدن و مجروح کردن و امثال اینها امر به معروف و نهی از منکر کنیم، چنانکه جمع کثیری از فقها عظام همین معنا را ذکر کرده اند؛ مانند: ابن ادریس در کتاب سرائر (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳)، محقق حلی در کتاب شرائع (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۵۹) و علامه حلی در کتب تحریر (علامه حلی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۴۱) و منتهی (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۹۹۳) و مختلف (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۶۵) و تذکره (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۴۴۴) و قواعد (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱، ص ۵۲۵) و ...

بنابراین معلوم می شود قول مشهور درباره امر به معروف و نهی از منکر با (ید) کتک زدن و مجروح کردن و امثال اینها می باشد. مرحوم صاحب جواهر هم همین را تأیید می کند.

ب) اینکه مراد از امر به معروف و نهی از منکر با دست، این است که انسان خودش لباس نیکیها را بپوشد و لباس منکرات را از تن جدا نماید و خود را به اخلاق عالی اسلامی تکمیل کند و خویش را از اخلاق زشت پاک سازد تا دیگران او را الگوی خود قرار دهند. چنانکه در کتاب «النهایه» آمده است:

«امر به معروف و نهی از منکر با دست به این معنا است که انسان خودش معروف را انجام دهد و از منکر اجتناب ورزد به گونه ای که مردم به او تأسی کنند. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۹)»

بنابراین معلوم می شود که در صورت پذیرفتن این معنی، امر به معروف و نهی از منکر با دست مرتبه اش قبل از امر به معروف و نهی از منکر با زبان خواهد بود، نه بعد از آن.

ج) اینکه مراد از امر به معروف و نهی از منکر با دست، این است که ید کنایه از قدرت است و به خاطر گستردگی معنای معروف و منکر، امر و نهی بالید معنای وسیع تری از آن دو معنا فوق دارد، چنانکه در کتاب «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر» آیت الله نوری همدانی آمده است: «و پر واضح است که: امر به معروف و نهی از منکر با آن دایره ای وسیع و گسترده ای که دارد، به جریان نمی افتد مگر با قدرت عملی و به کاربردن قدرت دامنه دار و پی گیر و جدی. (نوری همدانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۵-۲۹۶)»

۲-۴. لزوم ترتیب در مراتب امر به معروف و نهی از منکر

در گفتار فقها در مورد مراتب امر به معروف و نهی از منکر، در همه جا دیده می شود که می فرمایند: باید بین سه مرتبه امر به معروف و نهی از منکر، رعایت ترتیب بشود و تجاوز از یکی به دیگری در صورت حصول مطلوب در درجه پائین تر جائز نیست، به این معنی که نخست نهی از منکر با قلب به درجاتی که دارد بشود مانند اظهار نارضایتی از گناه، با نگاه، یا با اشاره و امثال این دو، پس روی گردانی و دوری که در این مورد هم باید رعایت درجه پائین تر شود که اگر درجه پائین تر اثر نداشت، درجه بعد و همین طور درجات بعدی دیگر.

و پس از پیمودن درجات مرتبه اول (انکار قلبی) نوبت به مرتبه دوم (امر به معروف و نهی از منکر با زبان) می رسد و در این مرتبه نیز باید رعایت درجات آن بشود و تا با درجه پائین تر، هدف، حاصل میشود، باید به آن اکتفا نمود.

و اگر با زبان (با درجات گوناگونش) به مقصود (ترک منکر) نرسیدیم، نوبت به مرحله و مرتبه سوم می رسد و باید با عمل، به نهی از منکر پرداخت.

مرحوم صاحب «جواهر الکلام» قول به وجوب ترتیب بین مراتب امر به معروف و نهی از منکر را به مشهور نسبت داده است، سپس فرموده است: «بلکه من خلافی را درباره این مسأله نیافته ام. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۳۷۸)»

پس مشهور و معروف بین علماء و فقیهان و مفسران ترتیب بین مراتب سه گانه در امر به معروف و نهی از منکر است؛ و دلیل رعایت این ترتیب را مقتضای جمع بین دلیلی که دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد، با دلیلی که دلالت بر حرمت آزار و زیان رسانی به مومن می کند، این است که لازم است، ترتیب بین مراتب امر به معروف و نهی از منکر، رعایت گردد. زیرا دلالتی که دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر می کنند، هر چند اطلاق دارند، ولی این اطلاق را، دلالتی که دلالت بر حرام بودن آزار و زیان رسانی به مومن می کند مقید می سازد. بناء بر این در خارج شدن از اطلاقات روایات امر به معروف و نهی از منکر به همان مقداری که موجب بر طرف شدن ضرورت میشود، اکتفا می گردد و نتیجه این ترتیب، همان تقیید اطلاقات دلالت امر به معروف و نهی از منکر است. (نوری همدانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۳)

نتیجه

در این تحقیق، درباره شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن و روایات بحث گردید که نتایج آن عبارتند از:

امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر شرایط کلی و عامه مشهور تکلیف (عقل، بلوغ، قدرت، علم و ...)، شرایط مخصوص به خود دارد که از شرایط ویژه محسوب می شوند: ۱- علم به معروف و منکر ۲- احتمال تأثیر ۳- اصرار و استمرار گناه ۴- عدم ضرر و مفسده.

شرط اول: علم به معروف و منکر، یعنی کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید معروف و منکر را بشناسد. منظور از علم، علم قطعی نیست بلکه ظنی است که از راههای معتبر شرعی به دست آمده.

شرط دوم: احتمال تأثیر است یعنی آمر و ناهی احتمال بدهد که امر و نهی او تأثیر دارد. مراد از تأثیر، اثر گذاشتن فوری آن هم در شخص مورد نظر نیست بلکه بازتاب اجرای این فریضه است که گاه سریع و مستقیم است و گاه طولانی و غیر مستقیم و شامل تأثیر در شخص یا جامعه می شود که تأثیر در جامعه مقدم تر از تأثیر در فرد است و در صورت علم به عدم تأثیر فقط وجوب آن برداشته می شود و نه جواز آن.

شرط سوم: اصرار و استمرار گناه است، یعنی انجام دهنده منکر یا ترک کننده واجب، تصمیم و اصرار بر عمل خلاف (ادامه منکر و ترک واجب) داشته باشد. ولی اگر او اظهار پشیمانی کرد، امر به معروف و نهی از منکر او، واجب نیست.

شرط چهارم: عدم ضرر و مفسده یعنی نداشتن ضرر مالی، جانی و عرضی برای خود آمر و ناهی و یا برای متعلقین، مومنین و اصحاب او است؛ و یا اینکه امر و نهی کردن موجب مفسده ای (پدید آمدن فساد در جامعه) نباشد. چه ضرر فعلی باشد یا در آینده قریب و چه علم به ضرر پیدا شود یا ظن به ضرر یا احتمال معتد به عقلانی به ضرر باشد.

البته اگر معروف و منکر از اموری است که شارع مقدس به آنان اهمیت زیادی می دهد مانند حفظ اسلام، عقاید، نوامیس، قرآن و احکام ضروری که با مجرد ضرر و هرج و جوب برداشته نمی شود بلکه باید با مقایسه اهم و مهم، مهمتر را در نظر گرفت.

فقها برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتب ذکر کرده اند که از مراحل ساده همراه با رفق و مدارا آغاز و به ضرب و جرح منتهی می شود؛ و تجاوز از یکی به دیگری در صورت حصول مطلوب در درجه پائین تر جائز نیست.

انکار قلبی: عملی را از خود آشکار سازد که نشانگر انزجار قلبی و درونی او از منکر باشد.

انکار زبانی: با زبان از تارک معروف و عامل به منکر بخواهد دست از این رفتارش بردارد.

اقدام عملی: هر گونه فعالیت هدفدار و مشروعی که زمینه را برای ریشه کنی فساد و رشد معروف ها فراهم سازد.

لزوم ترتیب: واجب است بین مراتب سه گانه امر به معروف و نهی از منکر، رعایت ترتیب شود، یعنی نخست اظهار ناخشنودی قلبی با درجاتی که دارد و بعد با زبان و در مرتبه سوم با عمل، با رعایت ترتیب در درجات هر یک از مراتب (با توجه به اینکه اگر مرتبه سوم در همان آغاز دارای اثر بود، ولی مرتبه اول و دوم، اثر نداشت، در این صورت، رعایت ترتیب نمی شود بلکه از همان آغاز به مرتبه سوم اقدام می گردد).

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، كتاب السرائر، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۲. اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق
۳. بهائی، محمد بن حسین، الاربعون حديثاً، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ ق.
۵. حلی (محقق) جعفر ابن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۸۹ ق.
۶. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۷. خمینی (امام)، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم: دار العلم، ۱۴۱۰ ق.
۸. خونی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مهر، ۱۴۱۰ ق.
۹. شبستری، احمد طیبی، تقیه و امر به معروف و نهی از منکر، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰ ش.
۱۰. شهید اول، محمد بن جمال الدین، اللعنه الدمشقیه، قم: دار الناصر، ۱۴۰۶ هـ ق.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۶ هـ ش.
۱۳. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه اهل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق
۱۶. فاضل مقداد، جمال الدین بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ ش.
۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن، مفاتیح الشرایع، قم: خیام، ۱۴۰۱ ق.

۱۸. فیض کاشانی، مولی محسن، مفاتیح الشرایع، قم: خیام، ۱۴۰۱ ق.
۱۹. قطب راوندی، سید هبت الله، فقه القرآن، قم: الیخام، ۱۳۹۹ ق.
۲۰. کاشف الغطاء، شیخ جعفر، کشف الغطاء، اصفهان: انتشارات مهدوی، ۱۴۲۲ ق.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه.ق.
۲۲. محقق کرکی، علی بن عبدالحسین، جامع المقاصد، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. مدرسی، محمد تقی، الوجیز فی الفقه الاسلامی، تهران: محبان الحسین، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. مقدس اردبیلی، احمدین محمد، مجمع الفایده و البرهان، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۲۶. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.